

# ضرورت بازنگری و بازسازی اساسی برپایی آئین‌های مذهبی در ایران

وب سایت «مشق نو»، (mashghenow.com)، ۲۸ مرداد ۱۳۹۹

[www.drmaahmoudi.com](http://www.drmaahmoudi.com)

«خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّتِي، أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»

«من فقط برای اصلاح در امت جدّم از وطن خارج شدم؛ می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.»

«إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالدُّنْيَا لَغَقٌّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ.»

«به‌راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبان آن‌ها است؛ تا جایی که دین وسیله زندگی آن‌هاست، دین دارند.»

امام حسین(ع)

## مقدمه

در ادیان جهان از جمله ادیان بزرگ ابراهیمی (یهودی، مسیحی و اسلام)، آئین‌ها و مناسکی وجود دارند که همه ساله پیروان این ادیان آن‌ها را برپا می‌دارند. این نوشتار به آئین‌ها و مراسم مسلمانان شیعه می‌پردازد. شماری از این مناسبت‌ها بین سنیان و شیعیان مشترک است و بعضی مختص هر یک از این دو است.

فلسفه برگزاری این آئین‌ها، یادآوری پیشینه، معنا و پیامی است که هر مناسبت دارا است و معمولاً به صورت دسته‌جمعی برگزار می‌شود و هویت مشترک مؤمنان را ظاهر می‌سازد. دین‌داران با دو رویکرد متفاوت با این آئین‌ها روبه‌رو می‌شوند: بعضی با درونمایه و پیام اصلی آن‌ها تجدید عهد می‌کنند، و شمار کثیری این پیام‌ها را به برجسته کردن و نمایش شکل و ظاهر آن‌ها تقلیل می‌دهند.

در طول تاریخ، این آئین‌ها دستخوش افراط و تفریط شده‌اند. در ایران، به ویژه از دوران صفویه تا امروز، در مقاطعی از تاریخ، در میان جماعت‌های شیعی، شکل ظاهری و صوری این مناسبت‌ها نسبت به درک پیام‌ها و بهره‌گیری از آن‌ها در زیست فردی و اجتماعی، فزونی و فربهی گرفته‌است. این رویکرد، بخشی به علت استفاده ابزاری از آئین‌های یادشده در راستای اغراض و مقاصد سیاسی و قدرت‌محور از سوی دولت‌ها بوده‌است؛ بعضی نیز به علت پایین بودن سطح دانش و آگاهی پیروان که به ظواهر بسنده کرده، گوهر و پیام بنیادین این آئین‌ها را نیافته و یا درنیافته‌اند و بیشتر به شکل‌ها و نمادهای ظاهری پرداخته‌اند. نقش شیعیان غالبی در گسترش دامنه ظاهری این مراسم و تقلیل و فروکاستن پیام‌های آگاه‌کننده، رهایی بخش و زندگی‌ساز این آئین‌ها قابل توجه و تأمل است.

غالیان و جانبداران تبدیل دین و مذهب به «فرقه»- که با سلسله مراتب از بالا به پایین، قطب‌محوری، روابط مریدی و مرادی و دنباله‌روی همراه است-، در تضعیف و به فراموشی سپردن مغز و گوهر این آئین‌ها نقش منفی داشته‌اند.

بزرگداشت رخدادهای درس‌آموز دینی در گریه و زاری و به سر و سینه زدن خلاصه نمی‌شود. گریستن از سوز دل و بدون تظاهر و ادای گریه مصنوعی درآوردن، فقط یکی از رفتارهای آئینی است. فراگرفتن گوهر و پیام این رخدادهای و تمرکز به چیستی و چرایی این پدیده‌ها و چگونگی کنشگری بزرگان دین در برابر آن‌ها، همه و همه از ارکان اصلی و غایت غصوای این آئین‌ها است تا بستر زیست انسانی، اخلاقی، مؤمنانه و مسؤولانه برای گروندگان فراهم شود. عزاداران و سوگواران باید از خود بپرسند که در طول سال چه اندازه از طریق قرائت و فهم آیات قرآن و تفسیرهای آن و نیز گفتارها و سلوک پیامبر، از کتاب و سنت بهره می‌گیرند و به دانش و آگاهی خویش می‌افزایند؟ آنان سالانه چند کتاب و مقاله علمی درباره تاریخ و شخصیت‌های صدر اسلام مطالعه می‌کنند تا تراز زیست فردی و اجتماعی و فرهنگ اخلاقی و دینی آنان ارتقاء یابد؟ یادآوری این موضوع نیز لازم است که هنوز پس از سپری شدن بیش از یک هزاره از برآمدن اسلام، راه‌های نیپموده و زوایای ناشناخته- که نیازمند پژوهش‌های علمی و روشمند است-، درباره رویدادهای صدر اسلام فراوان است. نمی‌توان به یافته‌ها و مشهورات گذشته و تکرار آن‌ها، به ویژه در چند سده اخیر بسنده کرد؛ گرچه در دهه‌های اخیر گام‌هایی در این راستا از سوی پژوهشگران برجسته برداشته شده است. از میان آنان می‌توان نام این افراد را ذکر کرد: نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، مهدی بازرگان، مرتضی مطهری، علی شریعتی، سید جعفر شهیدی، سید حسین مدرسی طباطبایی، عبدالکریم سروش، محسن کدیور، محمد سروش محلاتی و داود فیرحی.

## مبانی و اولویت‌ها

با پذیرش فلسفه برگزاری این آئین‌ها، لازم است مبانی و اولویت‌های آن‌ها روشن شود. این مبانی به نظر من به ترتیب اولویت، شامل موارد زیر است: (۱) خدا، (۲) پیامبران، (۳) پیام‌های خداوند که از طریق پیامبران به مردم فرستاده می‌شود. (۴) کسانی که دارای شایستگی تفسیر این پیام‌ها و رساندن آن‌ها به مومنان پرسشگر و حقیقت‌طلب‌اند.

در دین اسلام از میان این آئین‌ها، آنچه میان شیعیان و سنیان مشترک است عبارت‌اند از: عید قربان، عید فطر، میلاد، بعثت و رحلت پیامبر. آنچه افزون بر این‌ها در میان شیعیان رواج دارد، شامل عید غدیر و میلاد

و شهادت و وفات امامان است که در میان آن‌ها، آئین بزرگداشت شهادت امام علی و امام حسین اولویت دارند.

اکنون به اولویت‌های این آئین‌ها بپردازیم. واقعیت این است که همه این رخدادها در یک تراز نبوده اند که برگزاری مراسم آئینی آن‌ها یکسان و برابر باشند و یا بتوان جای آن‌ها را با هم عوض کرد. به نظر نویسنده، اولویت‌های آئین‌های دینی و مذهبی می‌تواند به ترتیب زیر صورت‌بندی شود:

۱. عید قربان به عنوان قدیم‌ترین و بزرگترین عید پیروان ادیان ابراهیمی.

۲. عید فطر، پس از یک‌ماه نیایش و روزه‌داری مسلمانان.

۳. نزول قرآن در یکی از شب‌های احیاء ماه رمضان.

۴. تولد، بعثت و رحلت پیامبر.

۵. تولد، امامت، رخداد غدیر و شهادت امام علی.

۶. تولد، امامت و شهادت امام حسین.

۷. تولد، امامت، شهادت و یا وفات دیگر امامان شیعه.

آشکار است که ملاک‌های این طبقه‌بندی و تقدم و تأخر، از سویی پیشینه و اهمیت تاریخی رخدادها و از سوی دیگر، شخصیت بزرگانی است که این آئین‌ها با نام، یاد و آثار آنان برگزار می‌شود. آنچه در این میان شایسته درنگ و تأمل است، غفلت از به هم ریختگی مراتب و اولویت‌های این آئین‌ها است. مسئله این نیست که در بزرگداشت معنوی امامان شیعه حق مطلب ادا نشود و در آموزه‌ها و سلوک آنان یادآوری، تأمل و درس‌آموزی صورت نگیرد. مشکل در تمرکز محوری نسبت به دسته‌ای از شخصیت‌های صدر اسلام و نگاهی حاشیه‌ای به دسته‌ای دیگر است که پیامبر اسلام در صدر آنان قرار دارد. البته این رشته سر دراز دارد: به عنوان نمونه، چرا در مساجد، آرامگاه‌های امامان شیعه، حسینیه‌ها، تکایا و خانه‌ها در ایران و عراق، چندین برابر قرآن، مفاتیح‌الجنان در قفسه‌ها و طاقچه‌ها چیده شده و به جز افرادی کم‌شمار به عنوان استثنا، در میان کثیری از شیعیان این مفاتیح‌الجنان است که دست به دست می‌گردد و خوانده می‌شود؟ (می‌دانیم که اکثر متون مفاتیح‌الجنان، زیارات و ادعیه مربوط به امامان شیعه است). آنچه ذکر شد، به سادگی از رهگذر مطالعات میدانی، قابل محاسبه و ارزیابی علمی است که کار جامعه‌شناسان دین است. تاکید می‌شود که بزرگداشت امامان شیعه که شخصیت‌های دینی، درخور احترام و دارای کرامت و بزرگواری بوده اند، جای تردید ندارد، بلکه بحث ما در جابه‌جایی و دستکاری در اولویت‌ها از سوی متولیان «اسلام تاریخی» است. در یک کلام، چنین رویگری به اسلام و تشیع، از اسلام قرآن‌محور با قرائت نبوی، علوی و حسینی بسیار دور است. زمینه‌های این رویکرد را می‌توان در اسلام تاریخی جستجو کرد که درگذر زمان از بن‌مایه‌ها و

سرچشمه‌های برآمده از کتاب و سنت فاصله‌گرفته و بر قامت دین و مذهب، لباس و ردای «فرقه» پوشانیده است. غالیان و جانبداران تبدیل دین و مذهب به «فرقه»، در آلودن دین و مذهب به بدعت‌ها، خرافات و موهومات و تضعیف و به فراموشی سپردن مغز و گوهر این آئین‌ها و درهم ریختن مکانت و اولویت آن‌ها، نقش منفی و ویرانگر داشته‌اند. به صراحت می‌گوییم که شوربختانه در راه و روش و زیست مذهبی‌های به اصطلاح «ولایی»، خدا، قرآن و پیامبر یا به پس پرده رانده شده و غایب‌اند و یا حضوری حاشیه‌ای و کم‌رنگ دارند؛ چنانکه در مقایسه میان مراجعه و انس با قرآن و روایات، آنان در نوشته‌ها و خطابه‌های خود، دومی را ترجیح می‌دهند! فرقه‌گرایان این مطالب را نوعاً در لفظ حاشا می‌کنند، اما در عمل به کژراهه خود ادامه می‌دهند. پیدا است که در برابر این واقعیت‌های عریان، بیش از این جایی برای حاشا کردن وجود ندارد. این قصه تلخ و دردآور، سال‌ها است که از پرده برون افتاده و به آفتاب افکنده شده است. اکنون زمان اهتمام جدی نسبت به درمان این درد معرفت‌سوز و اصلاح این راه ناصواب، به سمت و سوی جهت‌گیری سنجیده، مستقیم و درست است. مگر امام حسین برای اصلاح امت پیامبر از موطن خود خارج نشد؟ اکنون بر اصلاح‌گران دینی است که راه دشوار اصلاح دین‌داری مسلمانان را تداوم بخشند.

## برون دادها

برون داد این نوع مذهب‌داری و صنعت‌عزاداری، نگرش صوری و کاسبکارانه به دین و مذهب و یا ناآگاهی از رسالت و پیام‌های آگاهی‌بخش آن است. برگزاری این مراسم باید بر اساس بزرگداشت و درس‌آموزی از وقایع و یا گفتارها و کردارهای بزرگان دین صورت گیرد و نه به قصد تجارت و کسب شهرت و قدرت، از رهگذر فربه کردن تصنعی بعضی از این آئین‌ها و کسب درآمدهای نجومی. ترازنامه هزینه‌های هیئت‌های مذهبی در وضعیت بحران اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، عمیقاً تکان‌دهند و نگران‌کننده است. از میان اطلاعات منتشر شده از سوی نهادهای رسمی و رسانه‌های کشور، فقط به دو مورد اشاره می‌کنم: اخیراً «مدیرکل تبلیغات اسلامی» به «خبرگزاری ایسنا» گفته است که گردش مالی هیئت‌های مذهبی در دهه اول محرم، افزون بر ۱۰۰۰ میلیارد تومان است. این در حالی است که «سازمان تبلیغات اسلامی» اعلام کرده که در ایران حدود ۱۰۰ هزار هیئت‌عزاداری وجود دارد. به روایت سایت «تابناک» در سال گذشته، ۱۲ هزار میلیارد تومان برای طبخ غذا و نذری هزینه شده است (۷ مرداد ماه ۹۹ zeitoon.com). معلوم است که برگرفتن چنین لقمه‌های چرب و شیرینی در بازار محرم برای تاجران‌عزاداری، چیزی نیست که بتوانند از آن به سادگی بگذرند. به عنوان نمونه، فروکاستن و تقلیل بزرگداشت امام حسین به نمایان کردن غلیم و کُتل و نخل و علامت و قمه و حرکات فیزیکی و توزیع غذا و نذری و افزودن به گستره گمی و کیفی

آن، غفلت و دور شدن از فهم و معرفت نسبت به پیام‌ها و آموزه‌های جهانی امام حسین و فلسفه ایستادگی او و خاندان و یارانش در برابر ظلم، بی عدالتی، آزادی، آزادگی، تساهل و مدارا در جنگی دفاعی است.

بنابراین، تاجران و دکان‌داران محرم به عشق و شور حسینی تظاهر نکنند، زیرا از رخداد عاشورا باید درس آزادی، آزادگی، ستم‌ستیزی و نفی خشونت آموخت، و نه سرگرم کردن مردم به ظواهر و فراموش کردن و یا نادیده گرفتن پیام‌های انسان‌ساز و آگاهی‌بخش امام حسین.

واقعیت این است که در سه چهار دهه اخیر در ایران، به تدریج به فربهی و غلظت وجه صوری و نمایشی مراسم مذهبی، به ویژه دهه نخست ماه محرم افزوده شده و وجه معنایی و محتوایی آن به شدت کاستی گرفته است. بعضی از عالمان دینی به ویژه طی صد سال اخیر، در زدودن بدعت‌ها و خرافات از دین و مذهب در حد امکان کوشیده‌اند تا با پالایش دین ناب از دین تاریخی، مؤمنان را یاری و آگاهی دهند. به عنوان نمونه می‌توان از سید محسن امین یاد کرد که در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در رساله «التنزیه لاعمال الشیبه»- که با نام «عزاداری‌های نامشروع» به فارسی ترجمه شده-، با استدلال ثابت کرده است که قمه‌زنی و برخی دیگر خرافات رایج در عزاداری امام حسین نه تنها ثوابی ندارد بلکه از نظر شرع مقدس حرام و از کارهای شیطانی است. هدف امین به عنوان عالمی دین‌شناس از نوشتن و انتشار این متن، پاکسازیِ باورها و گردهم‌آیی‌های مذهبی از بدعت‌ها و گمراهی‌ها بوده است. مرتضی مطهری نیز در آثار نوشتاری و گفتاری خود، به ویژه مجموعه دو جلدی «حماسه حسینی»، همین هدف آگاهی‌بخش را دنبال کرده است.

## خط‌مشی‌های چهارگانه

چهار نکته اساسی در این میان، به عنوان خط‌مشی شایسته تأکید و توجه است:

۱. به فراموشی سپردن آئین‌های دینی کاری ناصواب است، زیرا بن‌مایه و فلسفه آن‌ها اولاً و بالذات انسان‌گرایانه، اخلاقی، آزادی‌بخش و عدالت‌طلبانه است.

۲. جابه‌جا کردن دلخواهی اولویت‌ها و افزودن به گستره این آئین‌ها، به گونه‌ای که اصل دین فراموش و یا به حاشیه رانده شود و به جای تأکید به درس‌ها و پیام‌ها، شکل‌ها، نمادها و رفتار ظاهری و فیزیکی محوریت و غلبه پیدا کند، جفا در حق دین و مذهب و جماعت‌های دینداران است.

۳. راه راست و درست آن است که افراط و تفریط وانهادده شود و اعتدال رعایت گردد. مرزهای ممنوعه، از سویی به فراموشی سپردن این آئین‌ها است؛ از سوی دیگر، آمیختن آن‌ها به سنت‌های غیر اصیل، بدعت‌ها و خرافات و نیز دست زدن به انواع خشونت از قبیل قمه‌زنی و دیگر آلاتی است که همانند زنجیر و میخ، به گونه‌ای بدن عزاداران را به خون و جراحت آغشته می‌کند و قبح خشونت‌ورزی و خونریزی را از میان می‌برد.

از یاد نبریم که مبنای ارزیابی شکل و محتوای مراسم عزاداری، نه اسلام تاریخی بلکه اسلام از منظر کتاب و سنت و اخلاق در سپیده دم برآمدن آن است.

۴. در نظام‌های دموکراتیک، نهادهای دینی و مذهبی به صورت آزاد، مستقل و داوطلبانه بنیان نهاد می‌شوند. تأمین هزینه‌های این نهادها به عهده شهروندان است تا آزادی و استقلال آن‌ها از میان نرود. وابسته کردن نهادهای دینی به دولت، هم به زیان دین است، هم دینداران و هم دولت؛ زیرا این نهادها را از نظر فکری، سازمان‌دهی و مالی وابسته به دولت و از این رو، مأمور و مروج قرائت دولت از دین و خدمتگذار و توجیه‌گر قدرت حاکم می‌کند. برآیند این سیاست، نقض بی‌طرفی و اخراج نهادهای دینی از عرصه عمومی و مقام گرفتن آن‌ها در کنار یا پشت سر دولت‌ها است. براین اساس، مردم دولتی شدن دین، بی‌قانونی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، فسادها و ناکارآمدی‌های دولت را به حساب دین و مذهب و این نهادها می‌گذارند، چرا که آنان در قدرت سهیم شده یا به استخدام آن درآمده و توجیه‌گر دولت شده‌اند. از این رو، آنان باید لاجرم پاسخگوی تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای قدرت سیاسی‌ای باشند که علی‌الاصول این نهادها نباید وابستگی و مساهمتی با آن داشته باشند. دین‌ورزی مؤمنانه، خردسیاسی، و تدبیر مملکتداری حکم می‌کند که نهاد‌های دینی در این روزگار به راه و رسم گذشته خود در این سرزمین بازگردند؛ یعنی مستقل از دولت‌ها و قدرت‌ها، در عرصه عمومی به دین‌پژوهی، دین‌شناسی و برگزاری مناسک و آئین‌های دینی بپردازند. این نهادها بدین‌سان می‌توانند در نزدیک کردن جامعه به اخلاق، معنویت و زیست مؤمنانه بکوشند و به این‌همه، مبتهج و سرافراز باشند.

## سخن پایانی

پیام این نوشته محدود به شرایط کنونی نیست که ویروس کرونا جهان و ایران را فراگرفته و افزون به ستاندن جان صدها هزار انسان، موجب پدیدآمدن محدودیت‌ها و بحران‌های بزرگ شده است، بلکه فراتر از آن است. ممکن است سالی دیگر ویروسی دیگر به جهان یورش آورد و جان انسان‌ها را بی‌رحمانه بستاند. بدیهی است که هیچ فرد یا نهادی حق ندارد در شرایط بغرنج مرگ و زندگی، با فراخواندن مردم به تشکیل اجتماعات، زندگی آنان را به خطر بیفکند. مسئولیت اشخاصی که در این‌گونه تجمع‌ها جان خود را از دست می‌دهند با مسئولان و نهادهایی است که مردم را - به‌رغم هشدارهای پزشکان و دیگر متخصصان - به شرکت در این مراسم تحریص و تشویق می‌کنند. آنان باید در خصوص انگیره‌ها، دلایل و علت‌های اتخاذ چنین رویکردی که بازی کردن با جان مردم است، در برابر ملت ایران پاسخگو باشند. اینکه حدود ۱۰۰/۰۰۰ هیئت عزاداری در ایران، پروتکل‌های بهداشتی را در مراسم محرم رعایت کنند، بر اساس شناخت این دسته‌ها از دیدگاه روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی، افسانه است، نه واقعیت. جفای مضاعف، انداختن گناه

بیماری‌ها و مرگ و میرهای شرکت‌کنندگان به گردن خودِ عزاداران است که چرا پروتکل‌ها را به دقت رعایت نکردند!

ما نیازمند بازنگری و بازسازی اساسی در محتوا و چگونگی برپایی آئین‌های دینی و مذهبی در ایران هستیم، به‌گونه‌ای که این مراسم نه فراموش شود، نه اولویت‌های آن‌ها بیش از این دست‌کاری شود، نه به افراط، فرقه‌گرایی و اختلاط با بدعت‌ها و خرافات بگردد، و نه دستاویز استفاده‌های ابزاری سیاسی و تجاری از دین و مذهب شود. این نوشته را با دو بیت به پایان می‌برم که خطاب به پیامبر بزرگ اسلام است، منسوب به نظامی گنجوی (۶۰۸-۵۳۷ ه.ق.). سخن‌سرای بزرگ پارسی که پیامی رسا، هشداردهنده و درس‌آموز برای ما ایرانیان در این روزگار است:

دین تو را در پی آرایش اند

در پی آرایش و پیرایش اند

بس که ببستند بر او برگ و ساز

گر تو به بینی شناسیش باز.